

### صارمی: سینمای بلند ایران مدیون سینمای کودک است

محمدرضا کریمی صارمی، معاون تولید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، با اشاره به اهمیت جشنواره‌ها در شناسایی استعداد‌های سینمایی و پیشرفت سینما، اظهار کرد: جشنواره فیلم کودک و نوجوان نقشی بسیار مؤثر در این زمینه ایفا کرده است و اگر بخواهیم صادقانه صحبت کنیم، سینمای بلند ایران در عرصه بین‌المللی مدیون سینمای کودک است.

محمدرضا کریمی صارمی، معاون تولید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، با اشاره به اهمیت جشنواره‌ها در شناسایی استعداد‌های سینمایی و پیشرفت سینما، اظهار کرد: مطمئناً یکی از بسترهایی که می‌تواند استعداها را در هر کشوری شناسایی کند، جشنواره‌ها هستند. فستیوال‌ها نقش بسیاری در رشد و پیشرفت سینما دارند.

وی اضافه کرد: در این میان، جشنواره پویانمایی نیز تأثیر زیادی در شرایط کنونی سینمای انیمیشن ایران داشته است، در کنار آن و به‌طور خاص، جشنواره فیلم کودک و نوجوان نقشی بسیار مؤثر در این زمینه ایفا کرده است و اگر بخواهیم صادقانه صحبت کنیم، سینمای بلند ایران در عرصه بین‌المللی مدیون سینمای کودک است.

کریمی همچنین حضور داوران بین‌المللی در جشنواره فیلم کودک را یکی از دلایل اصلی دیده شدن آثار ایرانی در فستیوال‌های جهانی دانست و تأکید کرد: آغاز درخشش آثار سینمایی ایران در رویدادهای سینمایی بین‌المللی با تولیدات در این جشنواره بود. داوران و تهیه‌کنندگان بین‌المللی در این رویداد آثار را مشاهده کردند و همین باعث شد تا سینمای کودک ایران به سطح بین‌المللی برسد. وی با اشاره به چالش‌های اکران سینمای کودک، گفت: در سال‌های اخیر، سینمای کودک با مشکلاتی مانند نبود سالن‌های ویژه و اکران آثار کودک در سالن‌های بزرگسال مواجه بوده است. با وجود این محدودیت‌ها، سینمای اجتماعی و طنز رقابت بزرگی با سینمای کودک داشته‌اند و در این شرایط رویدادی مثل جشنواره فیلم کودک فضایی برای نقد و تحلیل این آثار فراهم کرده است که به رشد این ژانر کمک کرده است.

کریمی صارمی در ادامه افزود: در گذشته، تمایل فیلمسازان و تهیه‌کنندگان به سینمای کودک کمتر بود، اما اکنون شاهد اقبال بیشتر تهیه‌کنندگان به سینمای رئال و پویانمایی کودک هستیم. در گذشته، حدود ۹۸ درصد از فیلم‌های کودک تولیدی دولتی بودند، اما در سال‌های اخیر، تهیه‌کنندگان خصوصی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی نیز به این حوزه جذب شده‌اند. این تغییرات نشان‌دهنده بهبود شرایط سینمای کودک است، به‌طوری که آثار کودک و نوجوان در هر نوبت اکران به نمایش در می‌آیند.

#### با برچسب جای شما اینجا نیست!

سپند امیرسلیمانی از پدیده برچسب‌زدن در سینما و تلویزیون گفت؛ موضوعی که به‌گفته او، مانع رشد و فعالیت بسیاری از هنرمندان شده است. او با گلایه از نبود پیشنهاد کاری در پلتفرم‌ها، این وضعیت را نشانه تنگی دایره جامعه هنری دانست.

سپند امیرسلیمانی در برنامه «پلتفرم» از شبکه اینترنتی «آن» درباره برچسب‌زدن برخی افراد به بعضی از بازیگران سخن گفت؛ موضوعی که به‌گفته او، باعث می‌شود بسیاری از هنرمندان از فعالیت‌های بیشتر باز بمانند. او معتقد است این وضعیت نشان می‌دهد که جامعه هنری نیز دامنه محدودی دارد و برای حضور در برخی آثار و برنامه‌ها، باید ناچاراً در همان مسیر تعریف‌شده حرکت کرد.

امیرسلیمانی با اشاره به کارنامه خود در ادامه افزود: «من در مجموع شش فیلم سینمایی بازی کرده‌ام و در پلتفرم‌ها هم تاکنون هیچ پیشنهادی برای حضور در اثر جدیدی به من نشده است.»

سپند در این برنامه اینگونه موضوع خود را شروع می‌کند که «برچسب زدن گاهی اوقات واقعاً بلایی سر آدم می‌آره. بذار مثال بزنم. من سه تا فیلم بازی کردم که جزو پربیننده‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران بودن. تو هر سه‌تاش هم نقش من کاملاً مشخص و جدی بود، نقش الکی نبود. خوب وقتی به بازیگر توی سه فیلم پربیننده نقش خوب داشته، طبیعیه که توی بیست‌وپنج سال فعالیتت باید سهمش از سینما بیشتر از شش تا فیلم باشه. نه؟» در ادامه افزود: «اما برای من این‌طور نشد. نه اینکه خودم نخواسته باشم یا محدودیتی برای خودم گذاشته باشم، اصلاً این‌طور نیست. من همیشه آماده‌ی کار بودم و هیچ وقت نگفتم «نمی‌خوام زیاد بازی کنم». ولی خب، واقعاً عجیبه. گاهی خودم هم تعجب می‌کنم از اینکه چرا اوضاع این‌طوری پیش رفته.»

# فرهنگی

تحلیل مردم‌شناختی از فاجعه خاموش موزه هنرهای معاصر اهواز؛

# موزه‌های که سوخت، نسلی که جا ماند

این موزه پرورش یابد، امروز با مهاجرت کرده، یا به حاشیه رانده شده، یا در خستگی اجتماعی غوطه‌ور است. وقتی یک شهر موزه ندارد، جوانش رؤیاً ندارد و جامعه‌ای که رؤیاهای فرهنگی خود را از دست می‌دهد، دیر یا زود دچار خشونت، بی‌اعتمادی و بی‌ریشگی می‌شود. نوجوانی، فصل کشف و تجربه است، زمانی که ذهن و دل انسان تشنه‌ی معنا، زیبایی و تعلق است. موزه هنرهای معاصر اهواز می‌توانست برای نوجوانان خوزستانی همان جایی باشد که «چشم دیدن» را می‌آموزد جایی برای درک رنگ، صدا، خلاقیت و گفت‌وگو با جهان. اما با بسته شدن درهای این موزه، نسلی از نوجوانان از دیدن و لمس هنر محروم ماندند. آنان که می‌توانستند با دیدن یک نقاشی بومی یا تابلو از هنرمند محلی، هویت خود را کشف کنند، در هیاهوی بی‌فرهنگی و بی‌تفاوتی گم شدند. در مردم‌شناسی، نوجوانانی که از فضاهای فرهنگی و هنری دور می‌مانند، دچار «فقر نمادین» می‌شوند. این فقر، بی‌صدا اما عمیق است، باعث می‌شود جوان امروز در برابر زیبایی حساس نباشد، در برابر زشتی واکنشی نشان ندهد، و در برابر ریشه‌های فرهنگی خود بی‌تفاوت بماند. اگر موزه‌ها کلاس‌های غیررسمی تمدن‌اند، نوجوانان خوزستانی از این کلاس محروم ماندند. آن‌ها فرصت نیافتند تا با هنر گفت‌وگو کنند، با گذشته پیوند بگیرند و با آینده خیال‌پردازی کنند. موزه هنرهای معاصر می‌توانست برای مدارس و مراکز آموزشی، کارگاه زنده‌ای از یادگیری غیرمستقیم باشد، نوجوانان می‌توانستند با مشاهده آثار، ذوق هنری، تخیل اجتماعی و درک زیبایی را در خود پرورش دهند. اما این فرصت با نابودی موزه از میان رفت و «رتبیت زیبایی‌شناختی» در نسل جدید دچار خلأ شد. در غیبت چنین تجربه‌هایی، نوجوانان به‌تدریج به سوی سرگرمی‌های سطحی و مصرفی گرایش یافتند، جای الهام را تقلید گرفت، جای تخیل را اضطراب پر کرد، و جای گفتگو با اثر هنری را سکوت و بی‌حسی. در واقع، موزه هنرهای معاصر می‌توانست پلی باشد میان مدرسه و زندگی، میان آموزش رسمی و تجربه آزاد. هر نوجوانی که پای در این موزه می‌گذاشت، نه فقط

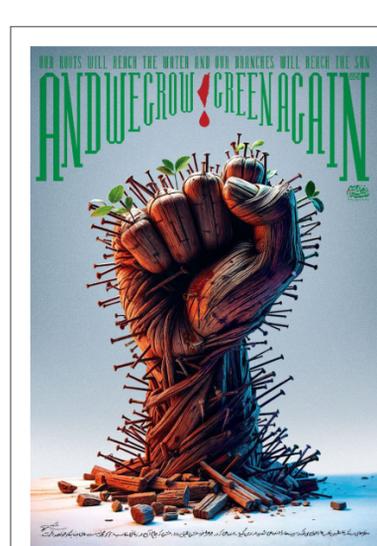
بیننده‌ی تابلوها، که جست‌وجوگر معنا در جهان خود می‌شد. تعطیلی موزه یعنی بستن درهای این جست‌وجو. از دید مردم‌شناسی، محرومیت فرهنگی به اندازه‌ی محرومیت اقتصادی خطرناک است، زیرا جامعه‌ای که نوجوانانش با هنر بیگانه‌اند، به‌تدریج قدرت خیال، همدلی و خلق را از دست می‌دهد. از میان دیوارهای خاموش و تابلوهای غبارگرفته ی موزه هنرهای معاصر، صدای نسل خاموشی به گوش می‌رسد که اگر آن فضا حفظ می‌شد، امروز می‌توانستند هنرمند، پژوهشگر، یا حتی تماشاگر آگاه این سرزمین باشند. از دست رفتن این موزه، از دست فرصت گفت‌وگو با آینده بود. موزه‌ها در جهان امروز، مراکز گفت‌وگوی فرهنگی‌اند. موزه هنرهای معاصر اهواز می‌توانست سکوی تعامل میان اقوام و نسل‌ها باشد، می‌توانست محل شکل‌گیری کارگاه‌های هنری، روایت‌های محلی و حتی گردشگری فرهنگی باشد، اما با تعطیلی و تخریب آن، فرصت گفت‌وگو از بین رفت و جای آن را سکوت و فراموشی گرفت. در نبود چنین مکان‌هایی، جوانان به‌سوی فضاهای مجازی یا خیابانی سوق پیدا می‌کنند که در آن‌ها زیبایی، خرد و گفتگو جای خود را به تقلید، پرخاش و بی‌هنری می‌دهد. احیای موزه هنرهای معاصر اهواز تنها بازسازی یک ساختمان نیست، احیای «اعتماد به فرهنگ» است. این اقدام می‌تواند به بازگرداندن نشاط اجتماعی، ایجاد فرصت برای جوانان خلاق و تقویت حس تعلق به شهر بانجامد. فرسایش سرمایه فرهنگی، مقدمه فرسایش اجتماعی است. موزه‌هایی مانند این، چراغ‌هایی‌اند که اگر خاموش شوند، راه نسل‌ها در تاریکی گم می‌شود. ماجرای موزه هنرهای معاصر اهواز، داستان از دست رفتن یک بنا نیست، روایت زوال بخشی از روح جمعی مردم خوزستان است. هر تابلو سوخته، هر ظرف گمشده و هر دیوار ترک‌خورده، نشانی از شکستن پل میان گذشته و آینده است. اکنون، بازسازی موزه، نه یک وظیفه اداری، بلکه یک مسئولیت تمدنی است، برای آنکه نسل بعد بداند که هنر، حافظه‌ی ماست، نه کلاهی برای واگذاری.



دونالد ترامپ را به تصویر کشیده است؛ سیاستمدارانی که خود را «منجی صلح» می‌نامد، اما ردّ پای پررنگش در میدان‌های جنگ و تقابل دیده می‌شود. هنرمند، او را سوار بر تانکی نظامی نشان داده که پیروانش پرچم‌هایی برافراشته‌اند با عباراتی چون «جنگ علیه مهاجرت»، «جنگ علیه علم»، «جنگ علیه انرژی‌های تجدیدپذیر» و «جنگ علیه شهرهای دموکرات‌نشین»؛ فهرستی از تنش‌هایی که ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری‌اش به راه انداخته است. با این حال، او با چهره‌ای بی‌تفاوت و لبخندی مغرور، پلاکارد کوچکی در دست دارد با عبارت «آتش‌بس غزه» و می‌پرسد: «جایزه صلح من کجاست؟» همین تضاد، محور اصلی پیام دیویس است؛ سیاستمداری که خود مظهر درگیری و قطبی‌سازی است، این‌بار در نقش صلح‌طلبی ظاهر شده که به دنبال افتخار و تحسین جهانی است. وقتی دونالد ترامپ موفق به دریافت جایزه صلح نوبل نشد، کاخ سفید با تلخ‌کامی به این تصمیم واکنش نشان داد؛ استیون چونگ، مدیر ارتباطات کاخ سفید، با لحنی کنایه‌آمیز نوشت که اعضای «کمیته نوبل ثابت کردند سیاست را بر صلح ترجیح می‌دهند.» او در ادامه ترامپ را فردی با «قلبی انسانی» و اراده‌ای مثال‌زدنی توصیف کرد و افزود: «هیچ‌کس مانند او نیست که بتواند با اراده‌ای قوی کوه‌ها را جابه‌جا کند.» اما هری شسِن در کاریکاتوری که منتشر کرده، دونالد ترامپ را در مرکز معرکه‌ای تصویر کرده است که با فریاد می‌پرسد: «نوبل من کجاست؟» در حالی که هوادارانش، با جلیقه‌های ضدگلوله، به خشونت علیه تظاهرکنندگان دست زده‌اند. گریم مک‌کی در این کاریکاتور، ترامپ را بر فراز شهری خاکستری و نظامی‌زده، سوار بر کبوتر صلح تصویر کرده است.کبوتری که زیر پایش آسمان خراش‌ها را قرار دارد. او کمربندی با عنوان «صلح‌ساز» بر تن دارد و در یک دست طومار «آتش‌بس» را بالا گرفته، اما در دست دیگر چماقی با واژه‌ی «شکایات» حمل می‌کند؛ این‌ کاریکاتور تضاد میان ادعای صلح‌طلبی ترامپ و رفتار خشونت‌آمیز و قدرت‌طلبانه او را برجسته کرده است. در آسمان، مدال جایزه نوبل با چهره‌ای که دستت بر صورت گذاشته، دیده می‌شود؛ گویی شرمساری یا ناپاوری خود را نسبت به اهدا شدن چنین جایزه‌ای به این چهره سیاسی نشان می‌دهد.

## ترامپ به نوبل نرسید!

ترامپ به نوبل نرسید؛ مردی که زمانی خیال می‌کرد جایزه صلح جهان در جیبش است، حالا خودش سوژه‌ی کاریکاتورهایی شده که رؤیای نوبلی‌اش را به مضحکه‌ای جهانی تبدیل کرده‌اند. صبح جمعه، دهم اکتبر، ماریا کورینا ماچادو، زنی که سال‌هاست نامش با مخالفت با دولت کاراکاس گره خورده، برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۲۵ شد. اما تنها چند ساعت بعد، همان صلحی که به بهانه آن این جایزه به رهبر ۵۸ ساله اپوزیسیون ونزوئلایی غرب‌گرا تعلق گرفته بود، خود به محل مناقشه بدل شد. چراکه ماچادو در پیامی در صفحه ایکس خود، این جایزه را به دونالد ترامپ تقدیم کرد؛ اقدامی که موجی از انتقاد چهره‌های رسانه‌ای و هنرمندان را برانگیخت. ماریا کورینا ماچادو چهره‌ای که از حامیان سیاسی و طرفداران آمریکاست؛ سیاستمداری که در سال‌های بحران ونزوئلا، از مداخله نظامی برای برکناری نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور این کشور، حمایت کرده بود. او همچنین از تحریم‌های بین‌المللی علیه دولت کاراکاس دفاع می‌کرد و خود را نماد مبارزه با مادورو معرفی می‌کرد چهره‌های مورد حمایت واشنگتن در آمریکای لاتین بدل ساخت. در انتقادهایی که نسبت به اهدای این جایزه مطرح شده، گفته شده است که جایزه صلح نوبل باید به افرادی تعلق گیرد که شجاعانه با دفاع از عدالت برای همه مردم،



### جهان امروز شاهد پژواک هنر مقاومت در حمایت از فلسطین است

صابر شیخ رضایی، هنرمند تجسمی، می‌گوید هنر مقاومت توانسته پیام مظلومیت فلسطین را فراتر از رسانه‌ها به قلب جهانیان منتقل کند و اتحاد هنرمندان جهان در حمایت از این ملت نمونه‌ای روشن از قدرت هنر است.

صابر شیخ رضایی، هنرمند هنرهای تجسمی و تصویرگر فعال در حوزه هنر مقاومت، در گفت‌وگویی اختصاصی درباره آخرین اثر خود پیرامون حادثه طوفان الأقصى، تجربه‌های شخصی و حرفه‌ای خود را تشریح کرد. او از انگیزه‌های خلق آثار هنری، روند فعالیت‌های دو سال اخیر و نقش هنر در روایت حقیقت سخن گفت.

شیخ رضایی درباره روز آغاز عملیات طوفان الأقصى می‌گوید: «از هسومن ابتدای صبح در کانال‌های خبری عربی و انگلیسی در تلگرام، اخبار و تصاویر عجیبی در حال انتشار بود، عجیب هم از نظر تعدد تصاویر و ویدئوها و هم از نظر تنوع موقعیت‌ها و حوادث و فرم‌های عملیاتی و البته مجموعه‌ای از اطلاعات ضد و نقیض از رسانه‌های بدنه دنیا و در خدمت دروغ‌پردازی‌های شبه هولوکاستی. تا حدود ظهر که اخبار دقیق پرواز مجاهدان حماس بر فراز سرزمین‌های اشغالی و شکستن حصر دیوارهای حائل غزه و گذشتن از برج‌های دیدبانی و باقی اتفاقات، بمب خبری رسانه‌های دنیا بود، طبیعی بود که از حجم عملیات غافلگیر باشم و خوشحال از موفقیت رزمندگان اسلام برای این سیلی تاریخی در مقابل صدسال جنایات صهیونیست‌ها در فلسطین.»

**بهروز شعبی: ۹۸۴ دقیقه فیلم در جشنواره فیلم کوتاه پخش می‌شود**
بهروز شعبی دبیر جشنواره فیلم کوتاه تهران اظهار داشت با توجه به حجم آثار مقاومتی رسیده یک بخش جداگانه برای این موضوع در نظر گرفته شده است و درنهایت در این دوره ۹۸۴ دقیقه فیلم کوتاه قرار است که به نمایش در آید. نشست خبری چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران با حضور بهروز شعبی دبیر این دوره برگزار شد. در ابتدای این نشست اعضای هیئت انتخاب و داوران بخش‌های مختلف جشنواره برای نخستین بار معرفی شدند. سپس شعبی بیان کرد: آونس جشنواره را روح ا... موحدی ساخت و موسیقی بخش‌های مختلف جشنواره را مسعود سخاوت دوست ساخته است. همچنین امرا... فرهادی مدیر هنری این رویداد است. وی افزود: ۵۷ اثر وارد بخش داستانی سابقه شدند. همچنین انیمیشن ۲۰ اثر تجربی ۲۰ مستند ۲۱ اثر و فیلمهای اقتباسی ۳۵ اثر و مسابقه عکس ۵۳ اثر بودند. در بخش بین الملل ۹۴ اثر از ۵۵ کشور در جشنواره هستند. بخش نشست‌های تخصصی ما جزو برنامه‌های جنبی این رویداد است و سعی شد با نگاه متفاوتی از استادان و فرهیختگان دعوت شود. ۲ سانس اول هر روز مختص فیلمسازی است و ۲ سانس پایانی بینارشته‌ای است.

**ایجاد ۱۰۶ هیات صلح در مساجد شهرستان دشت آزادگان**
رییس توسعه حل اختلاف خوزستان گفت: ۱۰۶ هیات صلح شورای حل اختلاف مساجد شهرستان دشت آزادگان در راستای ترویج و نهادینه کردن فرهنگ صلح وسازش تشکیل شد. به گزارش ایرنا، حجت الاسلام عبدالحمید امانت بهبهانی یکشنبه در آیین تشکیل هیات صلح شورای حل اختلاف شهرستان دشت آزادگان بیان کرد: سران عشایر و طوایف و بزرگان دشت آزادگان از جمله سرمایه‌های بزرگ گسترش فرهنگ صلح وسازش هستند و مردم این منطقه از عشایر فهیم و با ایمان استان در این مسیر یاریگر دستگاه قضا هستند. وی با اشاره به نقش مؤثر این هیات‌ها در حل و فصل اختلافات مردمی افزود: هدف اصلی از راهاندازی این هیات‌ها به کارگیری نیروهای مردمی واستفاده از ظرفیت ائمه جمعه مساجد وبزرگان و ریش سفیدان برای ترویج صلح وسازش است. حجت‌الاسلام امانت بهبهانی ادامه داد: با راه اندازی هیات صلح در مساجد، بسیاری از مشکلات حقوقی وقضایی مردم با رویکرد عفو و گذشت مختمه خواهد شد.